**سه شنبه 27/4/1403 – 10محرم 1446 -16ژوئن 2024-درس 168 فقه توانمندسازی –شرائط توانمندسازان**

**مساله: از شرائط توان بخش گزارش شفاف توان های اعطایی به توان پذیر است .**

**شرح مساله :**

فقه الحدیث

أخرج ابن أبي شيبة عن ابن مسعود قال: قال رسول الله ص: إنا أهل بيت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا- «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى‏».

اقول : از ویژگیهای توانمندساز آینده نگری و آینده محوری است زیرا آینده مهم تر از حال است .مدیریت آینده مدیریت حال را هم بهبود می بخشد ونه بالعکس .

و فيه، أخرج العسكري في المواعظ و ابن لآل و ابن النجار عن جابر بن عبد الله قال\*: دخل رسول الله ص على فاطمة- و هي تطحن بالرحى و عليها كساء من حلة الإبل- فلما نظر إليها قال: يا فاطمة تعجلي- فتجرعي مرارة الدنيا لنعيم الآخرة غدا- فأنزل الله «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى‏».

و فيه، أخرج ابن المنذر و ابن مردويه و أبو نعيم في الحلية من طريق حرب بن شريح قال\*: قلت لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين: أ رأيت هذه الشفاعة التي يتحدث بها أهل العراق أ حق هي؟ قال: إي و الله حدثني عمي محمد بن الحنفية- عن علي أن رسول الله ص قال: أشفع لأمتي حتى يناديني ربي: أ رضيت يا محمد؟ فأقول: نعم يا رب رضيت.

ثم أقبل علي فقال: إنكم تقولون يا معشر أهل العراق، إن أرجى آية في كتاب الله:

«يا عِبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلى‏ أَنْفُسِهِمْ- لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ- إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً» قلت: إنا لنقول ذلك، قال: فكلنا أهل البيت نقول: إن أرجى آية في كتاب الله- «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى‏» الشفاعة.

اقول : یکی از ویژگیهای توانمندساز امید آفرینی است .ایجاد امید نوعی توان بخشی است. زیرا امید مصداقی از توان مثبت است .

و في تفسير البرهان، عن ابن بابويه بإسناده عن ابن الجهم عن الرضا (ع)\* في مجلس المأمون قال: قال الله تعالى لنبيه محمد ص: «أَ لَمْ يَجِدْكَ يَتِيماً فَآوى‏» يقول: أ لم يجدك وحيدا فآوى إليك الناس؟ «وَ وَجَدَكَ ضَالًّا» يعني عند قومك «فَهَدى‏» أي هداهم إلى معرفتك؟ «وَ وَجَدَكَ عائِلًا فَأَغْنى‏» يقول: أغناك بأن جعل دعاءك مستجابا؟ فقال‏المأمون: بارك الله فيك يا ابن رسول الله.

اقول : از ویژگیهای توانمندساز یاد آوری توان های اعطایی به توان پذیر است . زیرا شکر منعم را در او زنده میکند و بهره وری او را بالاتر می برد .

و فيه، عن البرقي بإسناده عن عمرو بن أبي نصر قال\*: حدثني رجل من أهل البصرة قال: رأيت الحسين بن علي (ع) و عبد الله بن عمر- يطوفان بالبيت- فسألت ابن عمر فقلت: قول الله تعالى: «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ‏» قال: أمره أن يحدث بما أنعم الله عليه.

ثم إني قلت للحسين بن علي (ع): قول الله تعالى: «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ‏» قال: أمره أن يحدث بما أنعم الله عليه من دينه.

و في الدر المنثور، عن البيهقي عن الحسن بن علي‏\* في قوله: «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ‏» قال: إذا أصبت خيرا فحدث إخوانك.

و فيه، أخرج أبو داود عن جابر بن عبد الله عن النبي ص قال\*: من أبلى بلاء فذكره فقد شكره- و من كتمه فقد كفره، و من تحلى بما لم يعط فإنه كلابس ثوب زور.[[1]](#footnote-1)

اقول : توان بخش باید از توان پذیر بخواهد که توان های دریافتی را به همکارانش تحدیث و اظهار کند .توان پذیر باید توان های اعطایی به خود را اظهار و تحدیث کند

1. طباطبايى، محمدحسين، الميزان في تفسير القرآن، 20جلد، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - لبنان - بيروت، چاپ: 2، 1390 ه.ق. **ترجمه تفسير الميزان    ج‏20    525**

بحث روايتى [رواياتى در باره نزول آيه:" وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى‏"، شفاعت، و معناى آيه:" وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ" ...]

در تفسير قمى در ذيل آيه‏" وَ الضُّحى‏" امام فرموده: ضحى به معناى بلند شدن نورخورشيد است،" وَ اللَّيْلِ إِذا سَجى‏" يعنى شب در هنگامى كه همه جا را تاريك كند.

و در همان كتاب در معناى جمله‏" وَ ما قَلى‏" فرموده: يعنى و تو را دشمن نداشت‏.

و سيوطى در الدر المنثور در ذيل آيه‏" وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى‏" از ابن ابى شيبه از ابن مسعود روايت آورده كه گفت: رسول خدا (ص) فرمود: ما اهل بيتى هستيم كه خداى تعالى براى ما آخرت را بر دنيا برگزيد و ترجيح داد، و لذا فرمود:" وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى‏".

و در همان كتاب است كه عسكرى در كتاب" المواعظ" و ابن لال و ابن نجار، از جابر بن عبد اللَّه روايت كرده‏اند كه گفت: روزى رسول خدا (ص) بر على و فاطمه وارد شد، ديد فاطمه مشغول دستاس كردن است، در حالى كه به جاى لباس، حله شتر بر خود افكنده، همين كه چشمش به او افتاد فرمود: يا فاطمه بشتاب و تلخى دنيا را بچش، براى فردا و نعيم آخرتش، دنبال اين جريان بود كه آيه" وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى‏" نازل شد.

مؤلف: در اين روايت دو احتمال وجود دارد: يكى اينكه خواسته باشد بگويد آيه مذكور نخست به تنهايى بعد از آيات قبلش نازل شد، و بعدها بقيه آيات سوره به آن ملحق گرديد، دوم اينكه سوره همه‏اش يكباره نازل شد، و در خصوص اين داستان آيه مورد بحث دوباره نازل شده باشد.

و در همان كتاب است كه ابن منذر و ابن مردويه و ابو نعيم- در كتاب الحليه- از طريق حرب بن شريح روايت كرده‏اند كه گفت: من به ابى جعفر محمد بن على بن الحسين (امام باقر ع) گفتم: به نظر شما اين شفاعتى كه اهل عراق بر سر زبانها دارند حق است؟ فرمود: آرى به خدا سوگند عمويم محمد بن حنفيه از على بن ابى طالب نقل كرد كه رسول خدا (ص) فرمود: آن قدر از امتم شفاعت مى‏كنم كه خداى تعالى خطاب مى‏كند اى محمد آيا راضى شدى؟ عرضه مى‏دارم: بلى، پروردگارا راضى شدم.

آن گاه رو به من- حرب ابن شريح- كرد و فرمود: شما به اهل عراق مى‏گوييد: از تمامى آيات قرآن آيه‏اى كه بيش از همه اميد بخش است آيه زير است كه مى‏فرمايد:" يا عِبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلى‏ أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً- اى بندگانم كه بر خود ستم روا داشتيد، از رحمت خدا مايوس نشويد، كه خدا همه گناهان را

مى‏آمرزد" عرضه داشتم بله، ما اينطور معتقديم، فرمود: ليكن ما اهل بيت مى‏گوييم از همه آيات در كتاب خدا اميدبخش‏تر آيه‏" وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى‏" است، كه راجع به شفاعت است‏.

و در تفسير برهان از ابن بابويه نقل كرده كه وى به سند خود از ابن جهم از حضرت رضا (ع) روايت كرده كه در مجلس مامون فرمود: خداى تعالى به پيامبر گراميش محمد (صلوات اللَّه عليه) فرموده:" أَ لَمْ يَجِدْكَ يَتِيماً فَآوى‏"، يعنى تو يتيمى بودى خداى تعالى مردم را دور تو جمع كرد،" وَ وَجَدَكَ ضَالًّا" يعنى تو نزد قومت گم شده بودى،" فهدى" يعنى قوم تو را به سوى معرفت تو هدايت نمود،" وَ وَجَدَكَ عائِلًا فَأَغْنى‏" يعنى تو را بى نياز كرد از اين راه كه دعايت را مستجاب نمود مامون چون اين تفسير را شنيد گفت: خدا در تو بركت دهد يا بن رسول اللَّه (و يا خدا در تو بركت نهاده).

و در همان كتاب از برقى نقل كرده كه او به سند خود از عمرو بن ابى نصر نقل كرده كه گفت: مردى از اهل بصره برايم حديث كرد كه من حسين بن على (عليهما السلام) و عبد اللَّه بن عمر را ديدم در خانه كعبه طواف مى‏كردند، از ابن عمر معناى آيه" وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ‏" را پرسيدم، گفت: خداى تعالى به آن جناب دستور داده نعمت‏هاى خدا را حديث كند و به مردم بگويد.

آن گاه به حسين بن على عرض كردم منظور از آيه‏" وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ" چيست؟

فرمود به آن جناب دستور داده كه نعمت دين را كه خدا به او انعام فرموده با مردم در ميان بگذارد.

و در الدر المنثور است كه بيهقى از حسن بن على روايت كرده كه در معناى آيه‏" وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ" فرمود: هر وقت به چيزى رسيدى به برادران ايمانيت اطلاع بده‏.

و در همان كتاب است كه ابو داوود از جابر بن عبد اللَّه روايت كرده كه گفت: رسول خدا (ص) فرمود: هر كس با نعمتى كه به او داده شده مورد آزمايش قرار گيرد و آن را به اطلاع مردم برساند شكرش را به جا آورده و هر كس آن را كتمان كند كفرانش نموده، و هر كس در اين باب بلوف بزند و خود را به چيزى كه ندارد و به او نداده‏اند بيارايد مثل كسى است كه جامه دروغ به تن كرده باشد. [↑](#footnote-ref-1)